



کنوانسیون 'عظیم کانون‌های و کلای امریکا در شهر شیکاگو

در تابستان سال جاری که سفری به امریکا پیش آمد، پدیده‌های عظیمی در آن اجتماع دیده شد این رویدادها بحدی آموزنده و از لحاظ اساس دموکراسی قابل ملاحظه بود که دریغ آدم از آن در جامعه وکالت ایران چیزی گفته نشود و ره‌آوردی بقدر وسع برای همکاران گرانقدر نیورم اینک یکی از مسائل که پیوستگی نزدیک با اندیشه‌های شغلی ما دارد در این مقاله مورد بحث قرار میگیرد:

در سی سال اخیر وقایع و پیش‌آمدهای بزرگی در زندگی مردم امریکا روی نموده که هر یک در حد خود واجد کمال اهمیت و در سطح جهانی آثار ژرفی بر جای گذارده و شگفت‌انگیزتر آنکه اکثریت قریب باتفاق سلسله‌جنبانهای این رویدادها وکلای دادگستری بوده‌اند که در مواضع قدرت مانند ریاست جمهوری و مشاوران طراز اول او یا خود بالاصاله این وضع را بوجود آورده و هدایت کرده‌اند. و یا آنکه تاثیر مستقیم در بوجود آوردن آن داشته‌اند. در اواسط تابستان امسال (نیمه مردادماه) کانون وکلای واشینگتن در مقام چاره‌جویی و اصلاح رویه وکلایی که جامعه دفاع امریکا را تشکیل میدهد دعوتی از کانونهای وکلای ایالات متحده کرد که در شیکاگو گرد هم آیند و برای پیش‌گیری از سیل مادیت که در دنیای ما اندیشه و انگاره‌های اخلاقی را بنابودی تهدید میکند چاره‌ای اندیشند در این راه کلیه روزنامه‌ها و نشریات جامعه وکالت امریکا را صمیمانه کمک کرد تا این مساعی جمیل بشمر برسد این بنده نیز باقتضای عضویت در خاندان وکالت در چندین جلسه این کنوانسیون بزرگ حضور یافتم و بقدر وسع مطالبی اندوختم که اینک مختصری از آن بمرض همکاران گرانقدر میرسد:

اینگونه کنوانسیون‌ها و مجالس بحث که بالضروره خوداندیشی و انتقاد از خود را نیز بدنبال دارد دو اثر مستقیم در کار يك جامعه میگذارد: اول آنکه مردم

و دانایان خلق هنوز احساس زندگی روح و بیداری وجدان و احساس انسانی در مردان دفاع و حامیان عدالت میکنند. دوم آنکه اینگونه خوداندیشیها هر چند هم در چکاچک برخورد قدرت عظیم مادیت خود را گم کرده و آهنگ ناتوانی داشته باشد معذک چون ندای وجدان است و از عمق احساس انسانی برمیخیزد اثر خود را دیر یا زود بر نفوس میگذارد و پایه‌های نیروی مادیت را میلرزاند. و نظر انسانهای غفلت‌زده را بسوی ارزشهای حقیقی زندگی آدمی متوجه میدارد.

روزنامه شیکاگو^۲ تریبون در مقدمه گزارشی که از این کنوانسیون بزرگ اخلاقی و انسانی داده پس از آنکه این مجتمع را میعادگاه بزرگترین عقاید و جایگاه عظیم‌ترین تحلیل آراء و برخورد عقاید متفاوت خوانده بقول ولتر^۳ انقلابی معروف فرانسه استناد کرده و نوشته است: «من با يك کلمه از آنچه تو میگویی موافق نیستم ولی تا آخرین قطره خون خود را میدهم تا تو بتوانی آزادانه اندیشه خود را بیان داری». واشینگتن^۴ در هفته‌های اول تابستان امسال از لحاظ پیش‌آمدهایی که در آن رویداد جالب‌ترین شهر امریکا بود:

نابسامانیهای اخلاقی دستگاه حکومت امریکا از سال ۱۹۵۰ یعنی زمان ریاست جمهوری^۵ این‌نهور که با رویه پدران آغاز فرمانروایی کرد و با پیش‌آمد يك مساله کوچک رسوایی در کار دستگاه او بالا گرفت و آن قبول يك یا دو کت پوست حیوانی شبیه لاما از طرف تشکیلات او بود. این بی‌رویی در دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ با قتل جان. اف. کندی^۶ امرار یافت و دنباله آن يك سلسله وقایع پیش آمد از جمله طغیان سیاهپوستها که بالاخره بقتل پیشوای مقدس آنها مارتین لوتر کینگ^۸ منجر شد. داستان آینده با ابراز نفرت سفیدپوستان از جنگ و تصویب قانون مخالف با جنگ ویتنام و فشارهای سخت بر رئیس‌جمهوری وقت لیندون^۹ جانسن خاتمه یافت.

دهه ۱۹۷۰ در آغاز با تشدید جنگ مواجه شد و بالنتیجه نفرت مردم جوانه‌ای تازه زد و بالاخره صلح در ویتنام بر امریکا سایه افکند ولی بدبختانه ثمره آن تخطی بحقوق مردم و رسوایی واترگیت^{۱۰} که پرزیدنت ۱۱ نیکسن را تهدید بترك مسند ریاست جمهوری کرد این مقدمات موجب شد که عده یکمزارنفری از پیش‌کسوتان جامعه وکالت در نیمه مردادماه ۱۳۵۲ باصلاح اندیشی پدران برای اصلاح مفاسد دستگاه در پارک^{۱۲} هتل شراتون شهر شیکاگو گرد آیند.

2- Chicago Tribune

3- Voltaire

4- Washington

5- President Eisenhower

6- Vicuna Coat

7- John F. Kennedy

8- Martin Luther King

9- President Lindon Johnson

10- Watergate

11- Pres. Nixon

12- Sheraton Park Hotel

این خیراندیشان عدالت‌پیشه بدعوت کانون وکلای واشینگتن پاسخ مثبت داده و برای احیای موارث انسانی جامعه وکالت در کنوانسیون کانون وکلا شرکت جستند.

شایسته‌ترین مردانی که می‌توانند درباره گذشته و آینده امریکا اظهار نظر کنند اعضای کانون وکلای امریکا هستند. زیرا آنها می‌توانند درست بیندیشند که امریکا در کجا بوده و بکجا می‌رود و اکنون در چه وضعی قرار دارد چون وکلای دادگستری بر طبع دولت و سیاست حکومت تسلط دارند. در این کنگره عظیم سناتورها، اعضای کنگره امریکا، قضات و مأمورین اداری شرکت کردند و عدم حضور نیکسن ۱۲ در این جمع بنحو بارزی چشمگیر بود.

موضوع واترگیت را چنانکه از ماهها قبل مطبوعات و وسائل ارتباط جمعی امریکا مورد بحث قرار داده‌اند پدیده‌ای بود که بدست وکلاء در قالب ریخته شد زیرا پرنزیدنت نیکسن خود یک وکیل دادگستری است چون میچل ۱۴ دادستان پیشین امریکا و جان ۱۵ دین نیز از این زمره‌اند و همچنین جون اهرلیکمن ۱۶ و اغلب کسانی که از چند ماه اخیر در عداد ستارگان تلویزیون امریکا درآمده‌اند همه یا عضو کانون وکلای امریکا بوده و یا اکنون در این وضع قرار دارند. چند هفته پیش در میان بهت‌زدگی کانون وکلای امریکا اگنیو ۱۷ معاون رئیس جمهوری امریکا هم که خود قبلا وکیل دادگستری بوده خارج از محدوده واترگیت بمنوان تدلیس و ارتشاء مورد بحث و کنکاش کمیته تحقیق سنا قرار گرفت.

بنابراین پیش‌کسوتان و پیشوایان جامعه وکالت امریکا در باره جنبه‌های اخلاقی و قانون‌شکنیهای رسواکننده همکاران خود احساس خطر کرده و کنوانسیون مزبور را فراهم آوردند. قاضی هاری بلاک مون ۱۸ در نطق افتتاحیه کنوانسیون ضمن خواندن آیاتی از کتاب مقدس بر گمراهی و بی‌پروایی و شدت عملی که گرایش بسوی مادیت برای مردم امریکا بارمغان آورده زاری و اظهار تأسف عمیق کرد و بر انحطاط اخلاقی و بی‌اعتنائی بضوابط تأسف خورد و «پوشش عماری واترگیت را با همه مظاهر و اعمال غیر عادی آن که در دستگاههای عالی کشور بوقوع پیوسته غیر از اثر مستقیم فعل وکلاء و وکلاء و باز هم وکلاء ندانست».

بنابراین کانون وکلای امریکا کمیته‌ای را مأمور تحقیق درباره این ناپسامانیها و انحرافات دستگاه عدالت از مدار اصول و ضوابط کرد بهر صورت بدبختانه عدالت‌پیشگان (وکلاء) در دهه‌های اخیر خود در کار پیشرفت مادیت و عقب‌ماندگی اخلاق سهمی بسزا داشته‌اند.

- 13- Pres. Nixon
- 14- John Mitchell
- 15- John Dean
- 16- Ehrlichman
- 17- Vice pres. Spiroagnew
- 18- Justice Black Mun Harry

کانون وکلای امریکا با تعیین دستمزدهای سنگین برای وکلاء خود بخود و بطور غیر مستقیم کمک بعدم اجرای قوانین ۱۹ مخالف ترستها کرده. و بیشتر به فکر پر کردن جیب وکلاء بوده تا انجام جنبه‌های معنوی کار آنها سرانجام این کوشش بانجا رسیده که عایدی سالیانه هر يك از وکلای شهری بمبلغی معادل ۴۱۰۰۰ دلار (۴۷۰۰۰۰۰۰ ریال) است بالغ شده است.

با همه این احوال وکلاء خود را مقید به نظام و مقررات جامعه خود نمیدانند. رئیس کانون وکلای امریکا چسترفیلد اسمیت ۲۰ خود باین حقیقت اذعان دارد که اغلب کانونهای ایالت متحده از اثر وجودی افتاده‌اند. و اعتنایی بافکار عمومی و شکایات آنها از وکلاء نمیکند و بالتیجه رشته‌ها گسیخته و اعمال بد آنها بدون کیفر مانده است.

رالف نایدر ۲۱ وکیل مصرف‌کنندگان امریکا کمیته کانون وکلاء را متهم میکند که من غیر حق پیشنهاد قانون بیمه ۲۲ خودکار را عاری از خطا دانسته. و آنرا نظریه آندسته از وکلایی خوانده که بسود جیب خود در دفاع از سیستم غلط تلاش میکنند و آنها را مشایعین ماشین حامل بیمار خوانده است.

در کمیته رسیدگی ببحران انرژی که از طرف کانون وکلاء تعیین شده عده‌ای از وکلای کمپانیهای بزرگ با منافع سرشاری که از این رهرو میبرند گرد هم آمده‌اند تا درباره راه‌حلهای درست و طرق پیشگیری از اجحاف آنها بمردم پیدا کنند. اینگونه تعارض در منافع بین مردم و اربابان ثروت و قدرت اغلب مورد اغماض و عدم اعتنای اینگونه کنگره‌ها قرار میگیرد تا بگاو و گوسفند گروههای وکلاء لطمه‌ای وارد نیاید.

در ماوراء این مسائل اغلب معارضات هوشمندانه‌ای بین وکلای جمهوری-خواهان با طرفداران حزب دموکرات در واشینگتن جریان دارد و بدیهی است طرفدار حاکم منصوب شخصاً ثروت زیادی از این راه بدست آورده‌اند. نقطه تلاقی تراحم باصول و قانون‌شکنی بین سفیدپوستان و سیاه‌پوستان قدیم و جدید امریکا در مرحله عالی و نهاییه مسأله واترگیت رسیده زیرا در این پدیده ناهنجار متخلفین از قانون در برترین جایگاه یعنی رسوایی واترگیت موضع گرفته‌اند که در آن وکلای بزرگ کشور امریکا دست داشته‌اند. باین ماجرای عظیم کانون وکلای امریکا خود بخود باید توجه ویژه‌ای معطوف دارد زیرا وکلاء برای ورود بجامعه وکالت باید سوگند یاد کنند تا دریچه اطمینان دستگاه وکالت بر آنها باز شود و این کانون وکلای دادگستری کشور امریکا است که مجموعه و کد ۲۳ بزرگ اخلاق حرفه‌ای برای افراد جامعه خود دارد و باید از این راه آنها را براه راست بکشاند

19- Antitrust Laws

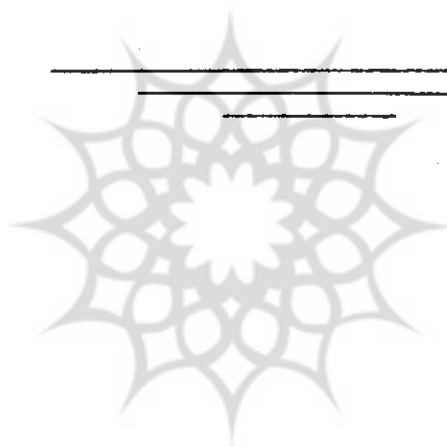
20- A. B. C. President Chester Field. Smith

21- Ralph Nader

22- Auto Insurance

23- Code of Professional Ethics

واضح است اگر کانون وکلای دادگستری بخواهد جامعه را بتبعیت از سجایای اخلاقی باز گرداند باید اول خانه‌تکانی جدی را از محدوده خود آغاز نهد. شاید طاغیان بقانون در دنیای ما بعدی هستند که کانون وکلای از عهده برابری با آنها بر نمی‌آید آنوقت است که باید بگفته «یوگو» تمسك جست که گفته: «ما در درون خود دشمنی جز خود ندیده‌ایم». بله «دشمن خانگی اندر دل ما جا دارد».



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی